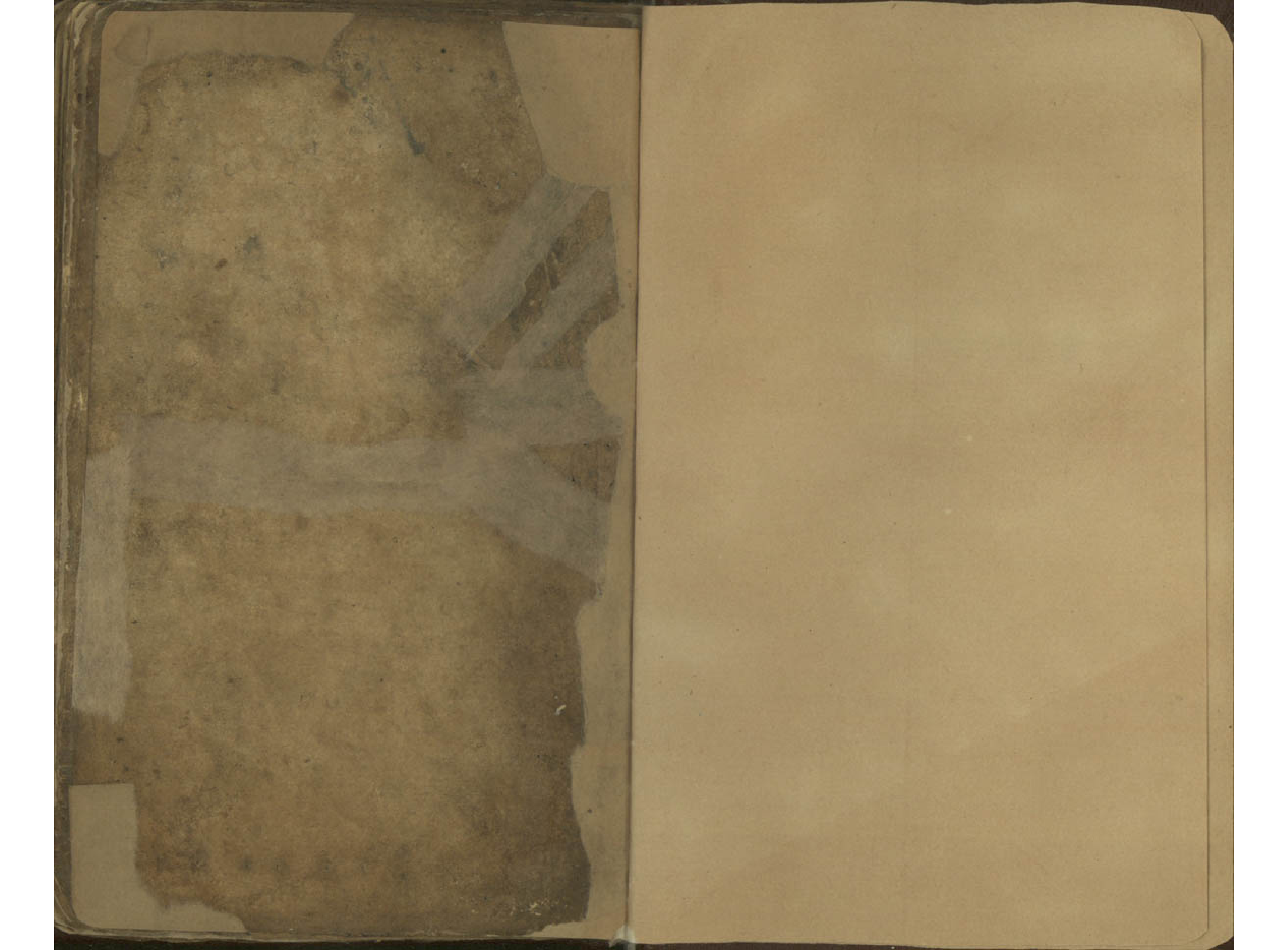


کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۸۶۳۲


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مناجات و مقالات
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۶۳۳
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۷۹۷



بسم الله خیر الاسماء

الحمد الله الذی جعل الشمس والقمر والنجوم

الکواکب والبحور والریاح والصلوة

والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین

من غدو و عشی و صباح و مسا الی یوم البعث

بر رقیم لیس ارقام شرعیه و سبب از سطر طرفین

ام مر شرعیه الله قاضی در مالک صحیح تقریر

و کمال عقل و جواز تصرف و اجماع

حواس ظاهری و باطنی حاضر نشسته و اظهار

صاحب حسب و تقوی شعار کربلائی نور محمد و ازای

و لغو و خلف بما لو صحیحه شرعیه دعوه اسلامیه

همگی و تمامی موازی و مساحت یک قطعه مزرعه محجر علفچر

مراعی و موازی شش دانگ واقع و کائن است در

بلوک رودبار مشهور و موسوم است بقلعه لان

و وجه مرتع مزبور بمقدار یکصد الف من روغن

است و بجهت توضیح تمام بحدود اربعه مزبور لکن

عاید این وثیقه عالیه شد کان تحدید لا

بحسب احکام حاجی ابوالقاسم ورزانی بمبلغ ده تومان

فضی مبایعه صحیحه و صیغه بینهما واقع و جاری گردید

و بینهما قبض و اقباض و تسلیم و تسلم و تمکین و تمکن

و اسقاط خیار رؤیت حاصله او سایر خیارات الغبن

و لو کان فاحشا بل افحش بتوقیع شرعی

و تمامی شرعیه مجری و ضمن بلا ازید با لکلیه واقع

نمونه تصرف مالکان به مشتری فوق در آنچه که تصرف
المُلّاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم باشد
شایعه نوع صحیح شوند و لغو مزبور دعوی
غائب در غائب آزاد در معرض مسیح در آنچه
منعقد شد حال تحریر دیار حصه براتی مصالحه شرعیه
نمونه و مال المصالحه در حضور واحد و در ماه

است در عهده الخروج و ظهور المصالحه عن از عهده کما هی
وجود آن بیرون آمده بعد از اعتبار
موقوف و معطل خاطر مبارک و کامل
الحمد لله الذی مالک — طالب شهر ... ۱۲۴۳
الاملاک و خالق الارضین والافلاک
والصلوة والسلام علی اشرف المرسلین

محمد و آله الطاهرین که خطاب لولاک لما خلقت

الافلاک لائق ایشانست بسبب آن تحریر این حروف

شرعیت ملفوف که ناشی در حال صحت

نفس و کمال عقل و جواز تصرف بالطوع

و الرغبه [illegible] صلاحیت و تقوی

شعار کربلائی [illegible] نوری [illegible] بیع

صحیح

صحیح شرعی شرطی نمود و بهای موزون [illegible]

یکقطعه باغچه [illegible] واقع و کائن است در بلوک

[illegible] تحریر است و تحدید [illegible]

[illegible] و شغال

[illegible] نوری

[illegible] مبالغه [illegible] و [illegible]

قبض و اقباض و تسلیم و تسلّم و تمکین و تمکّن و اسقاط
خیارات عادیه او سیّما خیار الغبن ولو
کان فاحشا بل افحش بوقوع پیوست و ماهی
ثمن مبیعه محدوده صحیحه را از ید بایع کلّیه و اجمع
نمود و بتصرف مالکانه مشتری فوق در آمده که تصرف
المُلّاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم بانحاء شتّی

بوضوح پیوست تعذّر و شروط که هرگاه
بایع مزبور در ایام مشقّت بتوم خیار ردّ ثمن
بسوی مشتری فوق ادا نمود مختار در فسخ مبایعه هست
و الّا ثبت البیع و سقط الخیار فی الحال
بایع مزبور مبیعه مسطوره را در ظرف مدت
مسطوره بمبلغ دو الفانی ... اجاره مقاطعه

شرعیه بلغه و مال الاجاره در ذمه ورقه

مستاجر فوق باقی نمیه باو فسخ نمیه باشد

وکان ذالک فی ... ۱۲۴۳

اقرار و اعتراف صحیح شرعی جاری کردید از

حالتی حاضر شنیده حاضرین ثبوت اقرار کربلائی

ذو الفقار و داماد که مقدار ... الله

جودار

۶

جو وار گندم و پنجوار جو للاب امانی ارزانی

حالیه فالث لسعی ماشکان عمده للاعاظم و للاعیان

خیر اسیاح حاجی نور ورعلی طهرانی بر ذمه ورقه

متعرف مذکور ثابت و لازم شرعی است آنهم از

الفصحای ... شاه کامل فی ... محمد هادی

عالی شان ... الله ... موقوف و مطالبه

جری ذلک وکان ذلک فی اوائل شهر ذی الحجه ۱۲۴۳

مسلم [illegible] نام فلان حضرتلرینه [illegible] لاجل [illegible]

[illegible] اولان [illegible] ارمان [illegible] خالق

حالا [illegible] سلاله الاعیان [illegible]

حاجی لطف [illegible] ذمه ورقه اتدی عبدالله

آغا محمد [illegible] صوفی ثابت ولازم اولدی

[illegible]

۷

[illegible] کاملا [illegible] شهور [illegible]

مهمات [illegible] حالا [illegible] معلومه [illegible] موقوف ومعطل

جاری بذلک وکان ذلک فی الیوم [illegible] شهر ربیع الثانی ۱۲۴۳

در سعادتده [illegible] نسخه [illegible] سلطان [illegible]

دلیلی الیه [illegible] سنه آتیه [illegible] ماجاره

[illegible] صحیحه شرعیه [illegible] مسلمه [illegible]

قلم [illegible]

قلم

عالیشان معلی مکان نتیجه الاعیان حضرت کاخ قاضی الاعلی

طهرانی برکه موزری و ساحت تکیوطه مربعی

مراعی و مشهوری زمستانی در واقع و کائن

در بلوک ورامین مشهور و موسوم است القلان

با جمیع مرابع مزبور مقدار پنجم روغن است و

بجهة توضیح محتاج کرده اربعه براکه لازید

عالیشان رسنه و قطار کربلائی علی اکبر رشواری سید

در باب کاملاً مشهور و الالهام در دید

مسطور در تحت تصرف خود داشته

در عرض ان او تعلیق داشته بر رسم الاجاره و مال الاجاره

هر ساله مقدار هشت من روغن مستاجر مذکور

تسلیم و تحصیلداری محرمه فوق نمونه نصر این موقوف

ومعطلی جابر نیز لکنه وکان دلالی اوایل شهر شوال ۱۲۷۳

در معامله مذکوره اشبو سنه توبت شهری خضر دلیلی

الی انتهای سنه آتیه قیمتی شرط استیجار معامله

صحیحه شرعیه دولت اسلامیه قمتی معمول اربد عالیه صدارت

نسبه ٥ قطعی صلاحیت ونفوذ شعار کیلالی

ورد ملنی بر لکنه موززی و مساحت متعلقه مرتع

عموعی و مهوی ریشتانی د وادی و کامل است در گمای

ورامامن مشهور و موسوم است بقلاب واحه

مربع مربور شقدار دوم لغفی روع است

وبجهه توضیح مجاح کحدار بونه بر لکنه حاکمی این

وشقه عال مكان عمده للاعیان مرراز

ورائلی بمدت دربای کامل اشهور والسلام

و در زمین مرتبه سطور در تحت تصرف خود داشته

واخوند بعد بسیم الاهی ره و مالی الاهی ره هر یک

متنبع نصف لهال حصه راجع بمستاجر مذکور

تسلیم و مصادر موقوف فوق و وکیل شرعی او نمود

بعبارت موقوف و موقوف‌علیهم جایز بدلیلها و کان

ذلک تحریراً فی شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳ و کان تاریخه

وکیل مطلق ثابت مشار بجمیع حقوق و حدود کهوارینه عاده

مسعود عالیجاه عزت و معالی بهمراه ... للاعیان الامر را

محمد علی طهرانی عالیجناب مقدس القاب

فضایل و کمالات علامی فهامی آخوند ملا

الوردی را در خصوص اموال و املاک و ...

الغیب ... جناب ... شرعی سلمه الله

یاقشه دوهاب خریدن وفروختن ومنازعات

شفیع وکیلدرکه دلجالوعن شرح مطاع عمل آید

هرکه علیم وخبیر وبصیر وشاهد بعضه باشی

سامعه اوچار کلامی چهور ازدیم ورقه ثبت

ودرج قیامیه تا درکیو اهالی شرع انور گی

عمشا دیهه باشی وکان دللک الله نورتجانی ١٢٧٣

ترالکن تحفه غرض ازتحریرلین کلمات وفرقلات

لکه یوزدری چهار دریسی کاوراسح وشرکت

قیاماتی لشصدر نسنیه وقطوری صلاحتب وتعویر شعار

کربلای یار علی اوهجاری درحال امرشعبان شکل شلاله

للاحسان علی اوری بوری فاصل شصدرت لله در

بیتاری کاوه های مربور قیام واقرام نمخه مراله

مقداری چهار من روغن لاجنب شیر توتلی مهاری

حال ثبت بنه نفقه تقدیریلری معادلی موقوف

۱۲۸۳

معطلی حاضر بندلق وکالتن دلالت الاانیر بوال

مصالحه نامه دعوی ویرزی در خصوص بکیابت اتفاق

فقهایت حال ان لازم الی یدیم ولا محرق

طرانی خود حقینی طوعا طرفین طول آکا مند عجب

ارنوبی

ارمودیلی جرابندن مصالحه کیشی همولایتی نسوه آسان

با صلاح معروف اولوب مسلمت چارهای

صورت رایج مصالحه شرعیه نفقه اندوات المصالحه

در خصوص ورطه کهویند مقرر مشروط لکه مرکاه

در خصوص طرفین بعد ایلوم لکلوی غایه حکمش

ازدرجه اعتبار ساقط دوملی لطفه باشد

تعهدنامه ۱۲۶۳

وکالت ذلک الحاج شیخ محمد باقر الاراکی

متعهد گردید عالیشان مستملکان حمده الله عباس خان

حیدر آقای حاجی لطفعلی وزرا سرکار موروثی

و مساحت یک قطعه اراضی شلتوک زاری

ده واقع و کائن است در ... ورامین

مشهور و موسوم است بقلعه ... ماحت

۱۲

۱۳

چهار جریب است عالیشان ... قطعه ... اعلا ...

... بدت ... کامل ... مشهور ... الام

ده در ... مسطوره در تحت التصرف ... داشته

زراعت نماید و هر ساله ... مقدار

چهار خروار شلتوک ثلاثه ...

و مبلغ چهار هزار دینار ... رایج ... مالیه

مهاری سعید مر بور نمونه تعزیری موقوف و موقت

جابر بند لک وکان دلال طالع شهر محرم الحرام ۱۲۶۳

تقسیم اموال و اجناس و اسباب

و مخلفات مرحوم ... مغفور

سرور رضوان ... حاجی ...

از ... مذکوره در ... و حصه

۱۴

و حصه ... در ... تصرف ایشان نوشته

... حصه ... ۱۲۶۶

[illegible]

للابن حصه ... مرحوم ...

[illegible]

٢

مجموعهٔ مسطوره بنابراین ولد المرحوم از ابتدا تا و

مذکور است حصه رسد خود را بر وفق خواهش

متصرف گشته اند بغیر و شروطی که هرگاه

احدی از ولد المرحوم در بیاض گلگونی نانشته

حکمش از درجهٔ اعتبار ساقط و ملغی لاطائل

[illegible] و کان ذلک فی شهر رجب المرجب ۱۲۶۳

الحمد لله الذی هو الواقف علی الضمائر والمطلع

والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و

و آله الطاهرین الذین [illegible] مستحقون

۱۵

آیه شریفه المال والبنون زینة الحیوة

الدنیا والباقیات الصالحات خیر ثوابا

و احسن عملا و موافق حدیث صحیح [illegible]

رسالتپناه صلی الله

الی آخره پس بزرگان جماعته ادب

و تعظیم و رعایت ایتمکدن اولوی نعیم و تعظیم ابرار

و کولدرت درجهٔ اجر اخروی وسیله ایدر

ایدک تا علی نماید و نظر القبول خاص مرتضوی

انما الدنیا فنا پس خیدلین اعتبار و عظمتی بابن

16

چ وره وره عشر و پنجوره و دنیا نیمه شهر اعمالی

و بر نقش اصحاب در دار دنیا و ثقف مصحف زمن

قرآن و املاک رطبه چاشنه ات کقول

الش عشرک عشی بکورخوش فرشت کس

نیار در سبی توشش فرشت نیارین توفیق

رفیق ورشاملی حاجی وکافل احوال علی‌اوه

و [illegible] عرش و لواحق [illegible]

ساعی که شاه نجف الکحل [illegible] انعام

افشار که به در ابتدای معامله منزه است

قوچی خسرو دلیر ولیرها قریه حیدرآباد

محرمات شهدا را وقف کرده و حبس

شوند نموده هر ساله نذر و متوجهان کار را

صرف اخراجات تکیه و تعزیه داری آن جناب

سیدالشهداء علیهم السلام نمایند نوشت

اثر الکاتب بقدسی القاب سلاله الاطیاب

فضایل و کمالات اکتساب حاجی محمد احمد ملا

محمد جعفر مفوض در شهر الاول شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۳

و [illegible] الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه ولا یدوم

الا ملکه کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه
ترجعون لا فقر لظریر مضمون بلاغت مشحون آیه
شریفه اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم
فی بروج مشیده مسلما باید مغز این آیه را در
صدف نفس ثبت بلس هر نفس در ارکیم قدم توجه
وجهه قدم نهد شربت ناگوار مرگ را لابد

در دار

و چار خوار نه چشید بنابر من لوثوق رسوخ و
شامل حال و کمال احوال عالیشان سپهسالاران
سلاله الاعاظم والاعیان حیدر اکبر حاجی آقا
طهرانی که هیچ جانب مقدس القاب سلاله الاکابر
نتیجه الاکابر سعالی و معالی انتساب آقا سید حسین طهرانی
را وصی شرعی خود گردانیده در امور رقبات معزی الیه

متروکات و ملحقات او را از قصور وجیب

معمول نشده ما در است مرحوم و مملوک او هم

سیم للاهت احقاق او را از قصور تشدید است

[illegible]

۱۲۸۳
تحفه نامه ماه رجب و شعبان سنه ۱۲۸۳

هذه ناچیه الحمد لله الذی هو الوهاب المعطی و الرزاق

الذی لا و الصلوة و السلام علی خیر خلیقه

محمد و آله الطاهرین الذی بسبب از تحریر این

وثیقه و مورث بر تسطیر این نسخه که حاوی

در حالت صحت نفس و کمال عقل و حضور الصرف

بالطوع و الرغبه علی نجیب مقدس القاب ...

وحالات ثبات عقلی فی من اتحمد ملا علی محمد

وهبه صحیحه شرعیه دینیه اسلامیه بمقدار نصف

کل اموال مملوکه متصرفه خود را بنام ملا حسن

ولد خود در کمال حس وشعور وعدم القصور

از ید خود کلیه و رجوع نمود به تصرف مالکانه در آورده اسکه

که تصرف المالک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم

۲۰

بانی تحویل شد به تصرف موهوب وکان ذالک

شهر رجب المرجب ۱۲۴۳ الثرام ملزم و متعهد

که هیچ دله ما لکان وکیفی لاان ملوک رهگار

بر آنکه مبلغ یکهزار دست ثباتان باقی

مالیات سنه ماضیه سلطانی دو رکعت

معافی است از تاریخ غره شهر صفر است

بعز رز اقصای همت کماه تمام و حمایت کماینبغی و بعد

رسانیده آنکه تحویلدار حاجی بیکلار بیگی نمونه قبض

انوار صادره چنانچه در خصوص کلف و

انحراف نمانیده مورد مواخذه و بایست

دیوانی خواهند شد فی شهر صفر المظفر ۱۲۴۳ [illegible]

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع [illegible]

۲۱

از سلسله علیه عالیه سادات عظام و زمره علمای کرام و

فضلای ذوی العز والاحترام و جمهور اهالی اسلام

هر که علیم و خبیر و بصیر و شاهد بحقیقت حال قریه

علی آباد [illegible] ورامین از رقبات خالصه

[illegible] عمده الاعیان [illegible] نور [illegible]

[illegible] است [illegible]

ثمة لله باقیه واحدی از دیدن آن حقیقت ایمانی

سامیه اجهار کلامی جهور را ذمی ورقه ثبت و

درج صفاتیه تا مدلل احکام ذمی و دیانت

و اما لی اسروت و جلالی و امانی حکومت

و رعایت کهود و السلام علی من اتبع الهدی

تمت شهر جمادی الاولی ۱۲۶۳ عصر الحمد لله الذی

ادا

اداء الشهادة سبباً و کتمانها موجباً لوصول الیلین

و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و

آله الطاهرین لا تهر لطریق نصحون باعثت مشحون

آیه شریفه و من یکتم الشهاده بر مرقحوری لزار قرلو

نبی انسان را محفوظ نا دارد الواری شهادت کرین

ارکان مسلمانی است و کتمان آن باعث

غضب جباری است بجز رطلعت شهابی وکودی

میرهوده در یوم دوشنبه غره شهر ذی حجه الحرام علیا

نام سولو کومی بدون سبب وجهه خوبی به پهلوی

گلعنا نام نوری زده از ضرب دیم آن

داعی حق را لیک اجابت نمیه ترحمیت ابدی

وارد شده هر که علیم خبیر و اپیر و شاهد

الناصر

معہ آلے دور

معہ ۲ معہ ۳ معہ ۴ معہ ۵ معہ

۶ معہ ۷ معہ ۸ معہ ۹ معہ

۱۰ معہ ۱۱ معہ ۱۲ معہ ۱۳ معہ

۱۴ معہ ۱۵ معہ لل ـــ ۲ ـــ

۳ ـــ ۴ ـــ ۵ ـــ ۶ ـــ

۷ ـــ ۸ ـــ ۹ ـــ ۱۰ ـــ

۱۱ ـــ ۱۲ ـــ ۱۳ ـــ ۱۴ ـــ

۱۵ ـــ

۱۵ ـــ ۱۶ ـــ ۱۷ ـــ ۱۸ ـــ

۱۹ ـــ ۲۰ ـــ ۲۰۱ ـــ ۲۰۲ ـــ

۲۰۳ ـــ ۲۰۴ ـــ ۲۰۵ ـــ ۲۰۶ ـــ

۲۰۷ ـــ ۲۰۸ ـــ ۲۰۹ ـــ ۳۰ ـــ

۳۰۱ ـــ ۳۰۲ ـــ ۳۰۳ ـــ ۳۰۴ ـــ

۳۰۵ ـــ ۳۰۶ ـــ ۳۰۷ ـــ ۳۰۸ ـــ

۳۰۹ ـــ ۴۰ ، ۴۰۱ ، ۴۰۲ ،

١٥ ١٢ ٢٠٥

١٢ ١٠ ١٨ ٢٠٥

٢٠٥

١٥

[illegible]

١ ــ ٢ ــ ٣ ــ ٤ ــ ٥ ــ

[illegible] ــ ٧ ــ ٨ ــ ٩ ــ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٥ ــ

[illegible]

١٤ ــ

٢٠٥ ــ

[illegible]

٢٠٢ ــ

[illegible]

شهر رجب المرجب ۱۲۶۳

صهو ک

عح وحع بره اسه سلال ک

ما ال علا لس بس کو بلدر

مع

ا ک ع ت

بت لا مر

مبی

ال ما ع

سو ل مد

علا ت

کا م بت

ما بت

ما بت

الی لی

الما مر

ص

لکا دلوا لی الصحه وطبعه ور رحم ما س ا

ملا زمی الحادم

بسبب ا

بمت بمع

سلال ک

سلع دم للهلال لهر وسلالام الله حرولا سعدا

لی ابد

ابد ا

سا ا

عما

کفقا ملل لک عمل ک ن

بره اسه لا

سه رجب المرجب ١٢٤٣

نگار ... عرہ سو سوال کل

۳ ۱۵ ۱۵ ۳۰

م

عالیجاب ملا ... اللہ

کاورایح

مولوی ... کاورایح

بالمعاینہ

محرر ا

شد حاصل ... ۱۲۴۳

بحث ترکی

سیچقان اود بارس توشقان لوی ییل

یلان یونت قوی هم با مهاس

بیچی و پس کی تخاقوی ایت اندر اران

تنگوز دان تواری بیرحسب کمان

بحث فارسی

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار

زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار

وانگاه باسب و گوسفند است حساب

همدونه و مرغ و سگ خوک آخر کار

ابجد کبیر

أبجد هوز حطی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

کلمن سعفص قرشت

۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰

ثخذ ضظغ

۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

ماه رومی

در تشرین دو کانون و پس آنکه

شباط آزار و نیسان ایار است

حزیران و تموز آب و ایلول

نگهدارش که از من یادگار است

ماه فرسی

ز فروردین چه بگذری مه اردی بهشت آید

بدان خرداد و تیر آنگه چه گو

پس از شهریور و مهر آبان آذر و دی دان

۳۵

در بهمن خنده اسفند ارمه ماهی بیو آید

ماه عربی

ز محرم چه گذشتی بود آن ماه صفر

در ربیع و دو جمادی رسی یکدیگر

رجب از پی شعبان رمضان و شوال

... لدی چه بکن بیک لطف

بقوسم

ز حمل ما الف ز ثور ب ش ز جوزا ح ارز سرطان

ارز سه دال دلو سنبله وز میزان شش عقرب ن

ح ز قوس ا طز جدی ک ی ز دلو ب ما الف ز ماهی دارن

فی بیان ایام النحس فی کل الشهور

هفت روزی نحس باشد در مهی

زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج

سه و پنج و سیزده با شانزده

بیست و یک بیست و چهار و بیست و پنج

گلشن خوبی منوال گشته جان و جهان حزین را

بنادگ تا لف و تحیر دوخته بر آتش بنیت او

جانها سپند گبی اری ب دیکره داری

برهان بشمدلن استیدر حکیم علی الاطلاق

وطبیب بیمار النفس و آفاق برجوی صحت

عالی ارزدیولن دار الشفاء و ما هو شفاء

صحیح ... امر ...

ورحمة للعالمین منشور صحبت و عاقبت بنام

نامی و اسم گرامی جاری شود هذا آگاه است

در تاخیر کدورت شهر بیماری انقطاع در حقیقه

بیماری این مخلص حاذق الحقیقه است مسموع

گهی چو دو خواب در اوقات شبانه روزی

و ام مسموع بدرگاه کافی [illegible] قانی

باشد

بی شک مضمون این بیت را ز کلک منشیانه عنبر

در از زیاده از دو روز شتری ما از تو بر خوریم و تو

از غم بر خوری زیاده از می در از بعضی نا خوش

ملال خاطر عاطر خواهد و تحفه فانی انجوی مراسله

بعض [illegible] رسیم از [illegible] از [illegible] خدمت گوید

تعزیت نامه بعض گذارده از استماع قضیهٔ هائله

جانسوز غم اندوز شعله فروز مصیبت عظمی

جناب مرحوم مغفور مبرور طاب الله ثراه

غبار بسیار هم و غم و کلفت و کدورت و الم بر جبهه

آئینهٔ خاطر نشسته و بهارستان احوال مبدل

بخزان گشته سینه صد چاک و جان افگار جگر خون

هر یک از چاکران و جان نثاران دولت جاوید بنیان را

باظهار نوعی از افکارم تازه قرین مصاحب نی

اندازد رفته مائیم لهذا در ابتداء مکالمه

هر نامه قوتی حزن دلی دعا بود بلوک

رهگذار راحتی ابدی و سرور قلبی برمدار عالی

اخلاص و ارادت آن جناب عالی خلاصهٔ مرسل

مکارم مخصوصه داشتهم منسوجه آثاری مسیرتی آنکی

تحفه نیاز و متوجهات دیوانهٔ آنگارلر

موجب وفانوری الطاف محبوب داشته

در مجمع ملاقات الوالجمع آلتیکاه محرر خواهد

للاف مواجب صفوه جانوری ...

فی ۸ ... سنه

در عهده ... شتند الاقد ... ۱۲۳۳

بزرگ شرف عرض مقدس ملقاب حدائقن

امید کامی گلزار آرزمایکه برجا کلین

عبودیت شمیم وکوهای ازلاری آلورب نوازم

واجب و متحتم است همواره دعای شیری ارز

تعویبات حسنه و وسیله از وسیلهٔ مستجمعه ذره

وار خوار جلوه کر عرصه ظهور نماید در آوان

فیروزی شانم اهل عز افضه شرف کعبه حضور

موفور لهرو لیو بخور و ترسدی عز افضه العهدیه

محلودر ونز سیه ده م مرحمله متمسیان مکل باکود

هرکاه ازل امرحمت نوازی جهاتی ماث

و مشتعر احوال کمتری لعضه باشند لقرار العقلات

حضرت کفانه و ازنیم مکرمت آل حضرا کهان

حیات مستعار در قالب بیدار حیات بر قرار

وامر یله مباح رزی ملال کار لعضه باشد

صورت وقوع و تجهه حالی انهوی عز افضه نوضی

شمایمه رسیم بکیس ارزانی خضور داشته اسم

[illegible]

بمعرض قبول رسید و متوقع است همواره
اوقات بصدور رقعجات وارجاع خدمات
لایقه کمترین را سرافراز سازند زیاده امره الاعلی

سوم شرح محبت کمال وحدت و مخلص با اخلاص کامل
داعی محبت محرومی از شرف خدمت خودداری
ستم قاتل بعرض گذارده مدتی است متمادی که عهدیست

متمنی که ظلمت سرای جان از نور گستر پرور
سراج المنیر محفل غریب و درشتان شاینده و
خجسته است هر آرایی الضیاء اختر المعانی
از مطلع عطوفت و احسان روشنی بخش ظلمات جان
بافزوده هر دار زرنج توجهاتم از دوست که زینهار چه
بجانم از دوست اگر چه بصورت دوری از شیفته

نور حضور موفور سرور ملا لطفی ادم زیر و زبر وار

زر القاب بزم منیر فقرای آتش شمع خلوت

سرای انس نغمه‌سی تماشای وجد و حضور ارس ولکن تا عشق

نیت در عندلیب شان ز نغمه طرازی

کمی مددات بابرکات ملا لطفی رطب اللسان

نغمه وشه‌لی ممکندر دهلرزی خوشگوار

الخ

اشعار صاف و اشعار صحیح احوال نیر شمار

آنمطاعی نیر خوش و بالالان نغمه باشندلین

قالب افسرده مزار کهن نور دم ترابت والقلب

علی یک لیلا و نهارا جانکه ازکوه التفات حجای

صاف و مشعر احوال گلشن نغمه باشند ابرز

لفظلات حضرت باری و لادی محبت التفات عاجز دوله

زنده که در سرمایه حیات آلوده است در قالب

بیمار بر بستر از درد و الم و از هجران صحبت صور رسید

وقوع مرگ یاری نخواهیم دعی زنده که تیغ تو ما را

مرا مرگ بهتر از این زندگانی در ضوابق است

در ان شاء الله تعالی بوجه احسن ملاقات روزی شود

لیکن دعا را قدسیان در عرش آمین گفته اند

وکذا

و تحفه خانه توست گلدسته فرصت بشادی رسیم ازان

از ارباب صحبت حدیث گوید ما فرح داریم

[illegible]

[illegible]

و همه ملاقات حقایق مشتهر علاقه بار جامع

مهمات قلمی و ارسال در ... جمع حال حواله

حوار

جواب شوقنامه ملالت‌آمیز علالت‌آمیز برلوحه لطائف رازنگار

وارسکار منشیکار دم غنچه بخش بستانهای دولت

وشمیم بهارستان ملاطف وارسکار عجز نامه

لطائف نگارنده رشحه جگرگداز رشکبار

گوهرنثار شقه محبت پیوند در سلک نیکوداشتی

دلجو کالوحی المنزل من السماء عز وصول و شرف

حصول ارزانی یافته ای وقت خوشی خوش‌وقت

ما گهری خوشی و از مطالعه آن دیده وحال را

روشن ساخته خیمه سرور سالهای حالات نهال

فرح و انبساط روی داده و اشتیاق معلقه

ه از رسائل واسطه بهم پیوسته صحتی واحدی فاسه

اگر تن همه مشمولی لطف واله بریده راه عدد و سه

حقایق حالات مسرت علامات را بارجاع جهات قسمت دارینه

در فصل ربیع بها عریضه عرض شکر نشده

جانب عنایت غایات پرتوی انوار آفتاب کام جم

چاکرلری اولدقده بخشش و فراغ عددر یافته

بموقف عرض و قفه ان موافق عز و جلال

وقرب ماهتاب ان لب طارم ارتباط سپهر نمای

نوربخش مطالب مالک رقاب فلک جناب گردون رکاب

مستعلی الالقاب مریخ عتاب شرف الرفیع

والا مکان درشان واجب الاشان قباب

شان و رستم غایت توام عطوفت

منوال دار مسند حشمت و اجلال یادکار

لیتم جانب عهد شعار شرف اصدار یافته بو

سایه افکن ساحت امان والائی که هبه سرمایه

انواع سربلندی آمد از اظهار الطافکی گوهران

ازآلوی ترجمان شکرگزاری عوارف بی پایان

و دعاگوی دار قدس اعلا و دوام دولت جاوید

بنیان خدیوان باقی خداوند عالم و

عالمیان ظل مرحمت گستران پرورلر

کافه شایان محامد و مستلزم برلیق و لیق فیروزی

بی قابلیت ذو القدر رقعه خدمتگذاری

بیدجه ده باحسن الوجه تعبیه بوسی مشرف گشته حقایقی

شاید اسند عالی مرام خجسته گلگونی و مکارم

از حد افزون شکرهاری آتشده همواره

نصره و ارقام حصان انکمترا افتخار داشته اره طاع

عریضه

عرضه داشت کمترین بندگان نزار آستان

معدلت بنیان را که کحل الجواهر دیده امیدواری

و اعتبار حضور خجسته موقف عرض و دعای

خدیو کیهان سکندر شان دارا دربان

قیصر پاسبان کیخسرو دوران کیقباد مکان

کیکاوس نشان اعلیحضرت قدر قدرت فریدون

رتبت

رتبت سلیمان حشمت جمشید ظل الله روحنا

فداه گردانیده قبله [illegible] جواهر سای

سم سمند در آسمان مبارک شوم والا گهر

گلگون هر ساله مبلغ دو لک [illegible] نقد

و مقدار دو لک خروار جنس بابت مالیات

دار السلطنه اصفهان الصفویه وظیفه مستمری [illegible]

وصرف اهتمام خصوصیله موجب مزید صدق

فرق مبارکلرینه برجهت انوار عبودیت

استدعا ارکان احتمام لاالی ومکارم ازید

افزون خسروانه ایشان دخلقه تصدیر

اوراد درجه ورنه او خباثت ومرتکبلری

در بدستور سابق للاثبات هان دار السلطنه

بارز قب وصرف اهتمام خصوصیه باحبه باهر

دعاگوئی دوام دولت ابدمدت قاهره شاهانه

چونکه واجب ذمه جارین ومظهر شاه امره للاشرف الاعلی

جوار

جواب عریضه حکم ما قال لکنه چونکه عارضه مسطور

ماتن عرض ودر مقام استدعا آمده است

لهذا استعد تهیه عنبه علیه سلطنت وشهریاری

ولیث آجام خلافت و تاجداری فرزند

ارجمند نامدار والا مقدار مسعود سلطان [illegible]

میرزا [illegible] فرمان [illegible]

و آگاهی از مضمون نامه حقیقت جواب

معروضه رسیده چنانچه والده [illegible]

[illegible] میرزا [illegible]

دار السلطنه اصفهان [illegible]

همچو جای نیز بدستور سابق در [illegible] ورثه

او [illegible] ماهیات [illegible]

محبوب و مجری خواهد بود [illegible] قدغن لازم

[illegible]

[illegible] شهر شوال ۱۲۶۳

عریضه

عریضه عشرت بمیرزا کلکان بدرگاه عرض

کلکان اسکندرشان دارا دربان سلیمان

شان فریدون آستان کیخسرو روان منوچهر

کیوان اقتدار رفیع شرف جم احتشام صدر قدر

فلک مرتبت ظل اله روحی و روح العالمین فداه

گمانه در وقت حسب الحکم رفیع عالیمکان

مطیع عالیجاه رفیع جایگاه امیرالامراء العظام محمد علیخان

سردار دار روانه رکاب نصرت انتساب شاهنشاهی

و بعز شرف اندوز تقبیل آستان علیه جلال

و گزارش بیان کمال و حالات امور وی

داد این صفحات را عالیجاه مشار الیه مفصلاً و مشروحاً

بخاکپای جواهر آثار اشرف اعلی عرضه داشت

خواهد نمود و اجارات و گذارش این مهمات بنحو زینت

در عمارت الله بامیان در کوه زلن عدت

حال المعهد در کیان مبارک عرضه داشت خواهد نمود

و بجهت ابلاغ عرضه عالی علمای بنی علامهٔ مدرس

رارواره حضور انور رسانده و بوضوح اخلاص از

قرار بشدید مصحوب الله از راه حضور

فضای گهویده است بدین نمونه قبول افتد

نقیب ... ماهی
عالی ...
در قصه

ملک ... سون
در ... عالی

حلیم ...
... اعلام ...

... عالی ...
... الله ...

ملتمس آنست در همیشه اوقات لکن کمترین غلام را

بصدور فرامین شفقت آیین و ارجاع خدمات عمری ... سرافراز

تو بیدار

تو بیدار بنور عرش مقدس ما حی قبله گاهی انوار الهی گلزار

در جبین افلاک صفحات شمس و خورشید انتظار ملائکه

در تجرد و ترتیب عزائمات و صفات تماشای ذره

و در حضور قدس لحاظ الطاف مظاهر جاه

بایند در شوق در شوق قدم صدق ش

مرصع رسیده تکثار عن لطف الحضرت بوجه

فی

در مهر جمه پیشبان مشکل بنگر و هر گاه از رکعا هر صحب

نور در حجابی حاجب کمتر رهد باشند بعز الطف کامله

حضرت باری و رزنیم شفقت الهی هو حجت در قالب

بیمدار جسمانی برقرار است و ملامت نورانی جان

مدت ش ظهور رفت و وقوع بر ایک استدوار

بیر گاه فارسیان آتش در عشق بیرنا باد

عذب مترقب و در ضمن آن غرض مشهود تعرض

احساس از فحوای لقشی زیدی تحفه عروس فرزندی مسرور

و در کار است هر گاه اشغال دار ... ع

[illegible]

[illegible]

و هر گونه ... است

نور چشم کام و ثمره الفواد و روشنکده ... مقام

فرزند ارجمند و قره العین ... الوالقاسم

همواره از رشحات سحاب مکرمت و عنایت

حضرت سبحان سرسبز و شاداب بوده موفق بتوفیقات

باشند بعد از شرح اشتیاق مشهود رای

عزیز میسازد که نوشته مرسوله آن نور چشم

در زمانی خوب و آوازی مطلوب عروس همت

باقه و در ضمن خوش مراوله الی آخره اطلاع

و آگاهی حاصل شده شرحیکه در باب اخلاص

عرودی نور چشمی قلمی و ارسال داشته بود از قصور

سیاهه القرید تمام و کمال را اتباع [illegible]

مصحوب عزالو [illegible] بعد ارسال داشته بنا شه

دارند

دارند و بجهة اختفات و جوابات بنحو الاتم کماهی

را گرفته اختفات نامه و در باب لزمات خاطر

خود را در هر مواد حسب دستور ایشان [illegible]

کمال خوشوقتی حاصل است و متولای اوقات

کشف حالات و گذارش امورات را قلمی دارند

در خاطر جمعی حاصل شد ایام بکام [illegible] بوالده

بوالده

بعرض مکارم کبریت شیم علیه جناب قدسی لقا مدارات

وطهارت مآب عصمت و عفت

ادراک بلقیس مکانی والده شفقه معظمه مکرمه

مهد ناهید مستولا درجات بارگاه

عظمت و اجلال سطورنا شفقت طراز

عرض اولنمشه مهجورلری غریب مستمندلکه

بر مدتی است مدید و عهدیست بعید که نامه

عنبرین شمامه توجهات و روایح مشکین نوافح

تلطفات آلطافجه مکارم وثاق دریچه مشام

فتوحیت آیات ورود گلستان عنبرین اتمامیش

نورزیده و رشحه از رشحات قلم عطوفت شیم

بر صفحه طراز صحیفه محبت و موالات و جنت گوزلر

حالی فالی است در گشت زار آرزوی

چون از آن وقت منزل نرسیده در ذوق و شوق

حالیا قسمت خدمتش مرحمت نرسیده بجز

و نرسید عنایة الحقوقیه بما ازین ورزیده در جمله

منتسبان ملک باشد هر گاه از الطاف محبت حاجی

کمتر نقطه باشد الحمد الله لی از الطاف کامله

حرره

حضرت لقا به ورزیم محبت الفاخت صحبت

در گشت زار جهانی باغ و سر قرار است و ملالی

سوار جسمانی ماخذ شد صورت وقوع سر لیک

و کنه فانی انحوث عنایت فیض اخلاص از قصور

نقص از این خدمت گوید ناقص در رتبه

لله ... ...

... ...

... ...

